

بسمه تعالی

برای شناسایی اختلالات روانی لازم است با تعریف و انواع علائم و نشانه‌های آن آشنا شد. **علائم (SIGNS)** به یافته‌های عینی و مشاهدات بالینی مانند عاطفه محدود گفته می‌شود و **نشانه (Symptom)** به تجربیات ذهنی که بیمار توصیف می‌کند مانند خلق افسرده اطلاق می‌شود.

اختلالات تفکر (Disorders of Thinking) :

تفکر عبارت است از جریان معطوف به هدف، عقاید، رمزها و تداعی‌ها که در مواجهه با یک مساله آغاز شده و به نتیجه‌ای متکی به واقعیت منتهی می‌گردد.

اختلال در فرم و جریان فکر :

تفکر اوتیستیک (Autistic Thinking) : تفکری که امیال درونی را اقناع کرده ولی با واقعیت جور نیست، اشتغال ذهنی با دنیای درونی و خصوصی همراه است. یکی از چهار A بلولر در اسکیزوفرنی است. این تفکر در اسکیزوفرنی دیده می‌شود.

پرش افکار (Flight of idea) : کلام وافکار بیمار به سرعت از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می‌شود، قبل از اینکه فکری به نتیجه برسد. این علامت در بیمار مانیا شایع است.

فشار تکلم (Pressure of Speech) : فشار تکلم عبارت است از صحبت تند، سریع، شتابزده و روان که به زحمت می‌توان آنرا قطع کرد. فشار تکلم از علائم مهم مانیا شمرده می‌شود.

حرافی (Logorrhea) : به معنی جریان پرزور و آژدها است. صحبت زیاد و مهار نشدنی است و جملات معمولاً ارتباط چندانی با یکدیگر ندارند. این اختلال در مانیا، اسکیزوفرنی و گاهی صرع سایکوموتور دیده می‌شود.

حاشیه پردازی (Circumstantiality) : با شرح جزئیات نامربوط و غیر ضروری که منجر به دور افتادن از موضوع اصلی می‌گردد مشخص می‌شود. در اختلال مانیا و بعضی از اختلالات روانی - عضوی دیده می‌شود.

تکرار، درجا زدن (Perseveration) : عبارت است از تکرار مصرانه یک فکر یا کلام ساده در پاسخ به انواع سوالات. در دلیریوم، دمانس و کاتاتونی دیده می‌شود.

تفکر بی ربط (Incoherence) : بیشتر در ارتباط با کلام غیر قابل فهم بکار می‌رود. کلام بیمار از تعدادی کلمات مجزا که ارتباطی با هم ندارند تشکیل شده است. انتخاب کلمات بیشتر حالت اتفاقی دارد تا ارادی.

سالاد کلمات (Word Salad) : ترکیبی از کلمات و عبارات نامفهوم و فاقد معنی و بدون رابطه منطقی. ظاهراً شبیه به تفکر بی ربط است؛ معهذاً سالاد کلمات در هوشیاری و تفکر بی ربط در ابر آلودگی شعور دیده می‌شود. برای مثال بیمار در پاسخ به این سوال که "چی باعث شد به اینجا بیایی؟" می‌گوید: من، طناب، برای جدید، سرد، اون، چی، پس.

انسداد (Blocking) : قطع ناگهانی قطار فکر ، قبل از اینکه فکری به نقطه پایان برسد . پس از مکث کوتاهی شخص از آنچه مورد بحث بود ، چیزی به یاد نمی آورد .

واژه سازی (Neologism) : عبارت است از ابداع کلمه یا ترکیبی از ادغام چندین کلمه به منظور ابراز یک فکر یا عقیده . این اختلال در اسکیزوفرنی دیده می شود . مثلا ابداع کلمه جدید کفش سر بجای واژه کلاه .

اختلال در محتوای فکر :

الف. هذیان (Delusion) : هذیان عقیده باطلی است که با منطق قابل اصلاح نیست و شخص اعتقاد راسخ به واقعی بودن آن دارد . انواع هذیان به شرح زیر است :

گزند و آسیب (persecution) : بیمار عقیده دارد کسی یا گروه و سازمانی به طریقی قصد آسیب رساندن به او را دارد .

انتساب (Reference) : عقیده ثابت بیمار مبنی بر این که هر چیز رابطه مستقیم با او دارد . مثلا باور دارد که اطرافیان به او می خندند .

بزرگ منشی (Grandeur) : در این هذیان بیمار باور دارد که از ارزش ، قدرت و یا هویت خاصی برخوردار است . در بیماران مانیا ، اسکیزوفرن و گاهی در افسردگی مشاهده می شود . مثلا بیمار افسرده اعتقاد دارد وجودش مایه دردسر و بلایی برای تمام دنیا می باشد .

نفی وجود (Nihilistic) : بیمار اعتقاد دارد که خود یا قسمتی از بدن او وجود ندارد . مثلا بیمار بدلیل اینکه تصور می کند معده و روده ندارد از خوردن امتناع می کند . در افسردگی های عمیق و اسکیزوفرنی دیده می شود .

جسمی (Somatic) : عقاید باطل مربوط به اعمال بدنی شخص است . مثلا باور دارد مغزش در حال پوسیدن است .

مسموم شدن (Poisoning) : عقیده ثابت بیمار مبنی بر اینکه کسی می خواهد مسمومش کند . به همین دلیل از خوردن امتناع می کند .

کنترل (Control) : بیمار اعتقاد دارد که اراده و افکار و احساسات بوسیله نیروهای خارجی کنترل می شود . هذیان کنترل اشکال مختلفی دارد که عبارتند از :

ربایش افکار : هذیان بیرون کشیده شدن افکار شخص بوسیله اشخاص یا نیروهای دیگر .

پخش افکار : هذیان شنیده شدن افکار شخص بوسیله دیگران .

کاشتن فکر : هذیان کاشته شدن افکار بوسیله اشخاص دیگر در ذهن شخص .

ب. خودبیمار انگاری (Hypochondriasis) : نگرانی مبالغه آمیز در مورد سلامت جسمی است که مبنای عضوی ندارد .

ج. فکر وسواسی (Obsession) : تکانه ای است که مکرر و مصرانه خود را وارد هوشیاری فرد می کند و برخلاف میل شخص است و با اضطراب همراه است .

د. ترس بیمارگونه (Phobia): ترس بیمارگونه مقاوم، غیر منطقی و اغراق آمیز از محرک یا موقعیتی خاص که نتیجه آن میل شدید به اجتناب است.

اختلالات ادراک:

الف. توهم (Hallucination): عبارت است از درک بدون وجود محرک خارجی.

ب: خطای حسی (Illusion): در این اختلال اشیا یا پدیده های واقعی به صورتی متفاوت و تغییر یافته درک می شوند.

آشفته گی های هیجانی: خلق (MOOD) تجلیات درونی هیجان است که بطور ذهنی احساس می شود ولی عاطفه (AFFECT) تظاهرات خارجی هیجان می باشد که توسط دیگران مشاهده می شود.

اختلالات عاطفه:

عاطفه نامتناسب (Inappropriate Affect): زمانی که عاطفه برخلاف انتظار در بیمار دیده شود و بدون اینکه موقعیت ایجاب کند بیمار بخندد یا گریه کند.

عاطفه کند (Blunted Affect): ابراز هیجانبا شدتی کمتر از آنچه که انتظار می رود.

عاطفه بی ثبات (Labile Affect): تغییر سریع، ناگهانی و شدید احساس هیجانی بدون ارتباط با محرک های خارجی.

بی احساسی (Apathy): عبارت است از فقدان احساس، هیجان، علاقه و نگرانی. به آن عاطفه سطحی نیز می گویند.

دوگانگی احساس (Ambivalence): شخص بطور همزمان احساسات متضادی نسبت یک موضوع یا شخص دارد.

اختلالات خلق:

خلق متعادل (Euthymic Mood): طیف طبیعی خلق که حاکی از فقدان افسردگی و سرخوشی بی مورد است.

خلق تحریک پذیر (Irritable Mood): زود ناراحت شدن و به خشم آمدن.

خوشی یا نشئه (Euphoria): احساس خوش بودن اغراق آمیز که با واقعیت جور نیست و بیش از همه در اختلال مانیا مشاهده می شود.

نوسان خلق (Mood Swing): تغییرات خلق بین دوره های افسردگی و سرخوشی.

الکسی تایمی (Alexithymia): ناتوانی یا اشکال در شرح یا آگاهی فرد از هیجانان خود.

اختلالات روانی حرکتی:

هایپرکینزی: فعالیت زیاد همراه با بی قراری و پرخاشگری

هایپوکینزی : کند شدن فعالیت های روانی جسمی است و معمولا در اختلال افسردگی دیده می شود .

تیک : حرکات اسپاسمودیک تکراری غیر ارادی . معمولا با جلب شدن توجه اطرافیان حرکات افزایش می یابد .

آکاتزیا : احساس ذهنی ناراحتی که موجب بی قراری بیمار ، قدم زدن مداوم ، نشستن و برخاستن متناوب می گردد. یکی از عوارض داروهای ضد جنون می باشد .

وسواس عمل (Obsession) : میل غیر قابل اجتناب برای انجام تکراری یک عمل غیر منطقی .

آتاکسی (Ataxia) : ناتوانی برای هماهنگ سازی حرکات ارادی .

کاتالپسی (Calepsy) : وضعیت بی حرکتی مستمر . در بیماران کاتاتونیک دیده می شود .

انعطاف پذیری مومی (Waxy Flexibility) : حالتی که در آن بیمار در هر حالتی قرار داده شود بصورت منفعل در آن حالت باقی می ماند . غالبا در کاتاتون مشاهده می شود .

کاتاپلکسی (Cataplexy) : فقدان موقتی قوام عضلانی تحت تاثیر هیجانانگ .

سطوح حافظه :

حافظه فوری : بخاطر آوردن مطالب درک شده ظرف چند لحظه یا دقیقه .

حافظه نزدیک : یادآوری رخداد های چند روز گذشته .

حافظه گذشته نزدیک : یادآوری رخداد های چند ماه گذشته .

حافظه گذشته دور : یادآوری رخداد های گذشته بسیار دور .

اختلالات حافظه :

فراموشی Amnesia

افسانه پردازی Confabulation : بیمار از وقایعی صحبت می کند که در واقعیت هرگز اتفاق نیفتاده است .

کریپتومنزیا (Cryptomnesia): شخص نمی تواند بخاطر آورد که اتفاقی را در واقعیت تجربه کرده است یا در خواب .